

استفاده از توانایی نظامی در جهت

اقتدار سیاسی در روسیه

یکی از عوامل سنجش قدرت کشورها توانایی نظامی آنها می‌باشد. این مسأله برای کشور روسیه از اهمیت بیشتری نسبت به دیگر کشورها برخوردار بوده است. به عبارت دیگر تاریخ روسیه بیانگر این نکته است که این کشور بیشتر یک قدرت نظامی بوده است تا قدرت اقتصادی. از طرفی اوج قدرت نظامی روسیه بعد از جنگ دوم جهانی بود که این کشور برای تقریباً چهار دهه به عنوان یکی از دو رکن قدرت در جهان خود را نشان داد. به بیان دیگر، توانایی کمی و کیفی نظامی روسیه در نیمه دوم قرن بیستم تأثیر بسیار جدی بر روابط قدرت در سطح نظام بین‌الملل داشته است. این قدرت نظامی که دارای یک پشتوانه عظیم علمی و فناوری است، چیزی نیست که به سادگی از بین برود. هنوز هم بسیاری از سلاح‌های روسی جایگاه برتری در دنیا داشته و روند توسعه نظامی نیز با وجود مشکلات فراوان اقتصادی متوقف نشده و هنوز ادامه دارد. این در حالی است که اگر روسیه فقط بخواهد به سلاح‌های موجود در انبارهای خود نیز اکتفا کند به اندازه کافی برای تحدید و تهدید قدرتها ابزار و تسلیحات در اختیار دارد، در حالی که روند نوسازی و تولید سلاح‌های پیشرفته در روسیه متوقف نشده و انجام طرح تولید جنگنده پیشرفته میگ ۴۲-۱ نشان‌دهنده این واقعیت می‌باشد. البته این فقط یک بُعد قضیه است و بُعد دیگر آن، تجارت پُر سود اسلحه است، که می‌تواند خیلی از مشکلات روسیه را حل کند. هنوز بسیاری از کشورها به دلایل مختلف خواستار دریافت سلاح‌های روسی هستند. سفر حافظ اسد، وزیر دفاع ویتنام و طارق عزیز به روسیه و تمایل به همکاری با کشورهای چین، هند، بنگلادش و اخیراً لیبی همه حکایت از تصمیم روسها برای استفاده بیشتر از این توانایی‌ها دارد. بنابراین روسیه هنوز دارای ابزار

قدرت لازم برای تأثیرگذاری بیشتر در مسایل جهانی می‌باشد. با این وجود، بعد از فروپاشی اتحاد شوروی و درگیر شدن روسیه در مسایل داخلی خود، اهمیت قدرت نظامی روسیه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. نقطه عطف نادیده گرفتن توانایی روسیه، در بحران بالکان و کوزوو قابل مشاهده بود. در این بحران، آمریکا و ناتو با نادیده گرفتن روسیه عملیات خود را در کوزوو شروع کرده و ادامه دادند. تمام این مسایل مقامات روسی را متوجه این نکته کرده که از این توانایی‌های خود بخصوص در بخش نظامی بیشتر استفاده کنند. گفته‌های یلتسین و استپاشین تا حدودی گرایش به این موضوع را مشخص می‌کند. این در حالی است که روسیه و بخصوص شخص یلتسین نمی‌خواهد در رابطه با آمریکا و اروپا نیز مشکلی ایجاد شود. در راستای دو موضوع مذکور، بوریس یلتسین در جمع فرماندهان نظامی به سخنانی اشاره کرد که تأمل برانگیز است.

وی در این خصوص به حساسیت رابطه با غرب و آمریکا اشاره کرده و آن را مهم توصیف کرد و گفت که اجازه نخواهد داد روسیه از غرب منزوی شود. یلتسین با بیان این نکته که رابطه با غرب چیزی مهمتر از یک امر تاکتیکی است، اعلام کرد که ضمن پیگیری اعمال ناتو مایل نیست که رنجش و ناراحتی با آنها داشته باشد. یلتسین به‌طور صریح از عملیات ناتو انتقاد کرد ولی اعلام کرد: «مسکو روابط خود را به‌طور عاقلانه با غرب حفظ خواهد کرد، بدون اینکه مطیع آنها باشد». یلتسین به نظامی‌ها قول داد که کمک بیشتری به آنها شود. وی با دروغ خواندن فرو ریختن نیروهای نظامی روسیه اعلام کرد که این نیروها با وجود همه مشکلات فعلی قادر به دفاع از امنیت روسیه هستند و به نظامی‌ها تذکر داد که سیاستهای رئیس‌جمهوری معیار اصلی می‌باشد و هرگونه اقدامی باید با سیاستهای وی هماهنگ باشد. از نکات دیگر مطرح شده در این ملاقات اشاره به حل بحران چین و مانورهای روسیه بود.

همانگونه که ملاحظه می‌شود، در گفته‌های یلتسین چند شاخص مهم وجود دارد که

عبارت‌اند از:



۱. اهمیت روابط با غرب و ناتو
۲. لزوم پیروی نظامی‌ها از سیاستهای رئیس‌جمهوری
۳. تأکید بر قدرت نیروهای نظامی روسیه و عدم ضعیف آنها با وجود مشکلات پیش‌آمده؛
۴. قول کمک مالی بیشتر به نظامی‌ها
۵. اشاره به اهمیت مانورهای روسیه در شمال غربی به منظور اثبات آمادگی نیروهای این کشور.

اگرچه رئیس‌جمهوری در سخنان خود اهدافی مانند هشدار به نظامی‌ها درخصوص محور بودن سیاستهای رئیس‌جمهوری، اهمیت رابطه با غرب و عدم تمایل روسیه به ایجاد مشکل در این رابطه را دنبال می‌کرد، ولی در عین حال طرح این‌گونه مسایل بیانگر این واقعیت نیز هست که یلتسین و دیگر مقامات روسی نمی‌خواهند برگ برنده خود را که همان قدرت نظامی کشور است در برخورد با حریفان نادیده بگیرند. به‌عنوان مثال، می‌توان به گفته استپاشین نیز در این زمینه توجه کرد. وی این مسأله را به این شکل عنوان می‌کند: «روسیه اقتصاد، مسایل نظامی و نفوذ بین‌المللی خود را از راه تجارت اسلحه بازسازی خواهد کرد. به‌عبارتی روسیه مهمترین راه احیای حیثیت بین‌المللی خود را استفاده از توانایی‌های نظامی خود می‌داند، مسأله‌ای که قدرت تحرک روسیه را هم در بخش نظامی و سیاسی و هم در بخش اقتصادی و تجاری بالا خواهد برد. روسیه به این نتیجه رسیده که صرف تبعیت از غرب کمک جدی به توسعه این کشور نخواهد کرد و حضور فعال در صحنه‌های بین‌المللی مستلزم به‌کارگیری همه توان‌های کشور است.

علی‌اکبر جوکار

